| تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۷/۲۳ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۸/۹/۲۰ |

ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

سمانه تقدیر

استادیار دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.

S_taghdir@iust.ac.ir

چکیده

شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری از مسائل مهم و پیچیدهٔ حوزهٔ معماری است و علی‌رغم پژوهش‌های متعددی که در دهه‌های اخیر پیرامون آن صورت گرفته، هنوز برخی از ابعاد این فرایند ناشناخته باقی مانده است. با توجه به اینکه شناخت مناسب از این فرایند می‌تواند زمینهٔ ارتقای کیفیت آثار معماری را فراهم آورد و به حل بسیاری از مسائل پیش روی معماران کمک کند، مسئلهٔ پژوهش حاضر بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی دیدگاه حکمت متعالیه درنظر گرفته شده و برای انجام آن از راهبرد استدلال منطقی استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا به تعریف دقیق از انسان، هستی، ابعاد و ظرفیت‌های هر یک پرداخته شده و سپس نحوهٔ تعامل انسان و هستی و بازتاب این رابطه بر فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه، که شالودهٔ نظری این پژوهش است، مطالعه و بررسی شده است.

همچنین، با توجه به آنکه براساس مبانی حکمت متعالیه، خداوند انسان را در صفت خلاقیت به صورت خود آفریده و متعالی‌ترین خلق نیز عالم هستی است، در این پژوهش فرایند خلق عالم هستی مورد بازخوانی قرار گرفته است و با الگوگیری از آن، ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری در پنج مرحله تبیین

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

شـده اسـت که ارکان اصلی سـازندهٔ این سـاختارعبارت‌اند از: مرتبهٔ نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری انسـان (بینایی، بویایی، شـنوایی، چشـایی و لامسه) و قـوای باطنی او (قوهٔ متصرفه، خیال یا همـان خزانهٔ صورت، حافظه یا همان خزانهٔ معنا، حس مشـترک و واهمـه) در معمار و مخاطب، مقوله‌های سـازندهٔ معماری (فرم، کاربرد، معنا، طرح و سـاخت، بافت و پیوسـتگی، روحیه و اراده) و نیازهای چهارگانهٔ انسـان (مادی، روانی، عقلانی و روحانی) و درنهایت با شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت این فرایند پیشـنهادهایی جهت ارتقای کیفیت آن ارائه شـده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشـان می‌دهد با قراردادن مبانی جامع مکتب اسـلام به‌عنوان شـالودهٔ نظـری پژوهش‌های معمـاری می‌توان به حل مسـائل پیچیده در حوزهٔ معماری کمک کرد.

کلیدواژه‌هـا: نفس انسـان، عوالم هسـتی، فراینـد معماری، خلـق، ادراک، حکمت متعالیه.

مقدمه

موضوع «فرایند خلق و ادراک آثار معماری»، از شـکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق آثار محسوس و ادراک آن، موضوعی مهم و دارای بنیان‌های حکمی و فلسـفی اسـت که با اساسی‌ترین پرسش‌های مربوط به ماهیت انسان و هستی در ارتباط است. همین مقوله سبب پیوند حوزهٔ معماری با بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی شده است؛ بنابراین، در این فرایند شناخت انسان، به‌مثابه خالق و مدرک اثر، و توجه به جهان هسـتی، به‌مثابه زمینه و بسـتر پیدایش اثر، و نحوهٔ تعامل این دو در یک بسـتر علمی با مبنا قراردادن چهارچوب نظری مشخص اهمیت بسیاری دارد.

در این پژوهش نگارنده در نظر دارد به بازخوانی فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عوامل مؤثر بر کیفیت آن با توجه به تعریف انسان و هستی و نحوهٔ تعامل آن‌ها بر شکل‌گیری این فرایند براساس مبانی اسلامی بپردازد.

شالودهٔ نظری پژوهش

در جهت‌دهـی بـه پژوهش‌های حوزهٔ نظری معمـاری مبانی‌ای که به‌عنوان شـالودهٔ نظری پژوهش مدنظـر قرار می‌گیرند اهمیت بسـیاری دارند، زیرا این مبانی در فرایند شـکل‌گیری تحقیق و نتیجهٔ حاصل از آن تأثیرگذار هستند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

مبنای فلسفی این پژوهش: دیدگاه «حکمت متعالیه»

این پژوهش به دنبال شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری با توجه به نقش ارکان اصلی سازندهٔ این فرایند است که انسان و هستی است؛ ازاین‌رو، در بخش‌هایی از آن که تمرکز بر شناخت هستی و عوالم آن، قوا و مراتب ادراکی انسان، نحوهٔ تعامل انسان و هستی، فرایند تحقق افعال و آفرینش‌های انسان است، نیاز است تا تعاریف روشن و دقیق باشند و از آنجا که در برخی از این تعاریف میان فیلسوفان مسلمان اختلاف‌نظر وجود دارد، باید مکتب فلسفی مشخصی به‌عنوان مبنا درنظر گرفته شود. از آنجا که در میان مکاتب فلسفی مطرح، مکتب فلسفی ملاصدرا، که با عنوان «حکمت متعالیه» شناخته می‌شود، به شالودهٔ نظری این پژوهش که مبانی اسلامی با رویکرد نظریهٔ «دین حداکثری» است نزدیک‌تر است، این مکتب مبنا قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

موضوع فرایند خلق و ادراک آثار معماری و نقش تعامل انسان و هستی بر شکل‌گیری این فرایند و بیان این رابطه به زبانی علمی و دقیق همواره در حوزهٔ معماری اهمیت بسیاری داشته است. زیرا انسان خود هم خالق اثر و هم مخاطب اثر است و هستی نیز بستر و زمینهٔ خلق اثر معماری است؛ به‌عبارتی، معمار با توجه به دیدگاهش دربارهٔ انسان و هستی و رابطهٔ آن‌ها با یکدیگر به طراحی محیط و خلق آثار معماری می‌پردازد و مخاطب نیز براثر معرفت و دیدگاهش به این دو آثار معماری را ادراک می‌کند.

طی سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی جهت شناخت انسان و محیط پیرامون او و رابطهٔ این دو و تأثیر این رابطه بر فرایند خلق و ادراک آثار معماری صورت گرفته است که هر کدام از آن‌ها باوجود ارائهٔ دستاوردهای کاربردی با نواقصی روبه‌رو بوده‌اند؛ زیرا محیط پیرامون انسان را به‌صورت جامع تعریف نکرده و در تحقیقات خود بیشتر متکی به برداشت‌های میدانی و تمرکز بر بازخوانی رفتارهای انسان‌ها بوده‌اند (ر.ک.: لنگ، ۱۳۹۰).

در راستای شناخت رابطهٔ انسان و هستی و تأثیر آن بر خلق آثار معماری و ادراک آن‌ها، براساس مبانی اسلامی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است که هر یک از منظری خاص به این مقوله توجه داشته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها (نصر، ۱۳۷۵؛ ندیمی، ۱۳۸۰؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰؛ بلخاری قهی، ۱۳۸۴؛ رئیس سمیعی، ۱۳۸۲؛ خاکی قصر، ۱۳۹۱؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹) بنیادی بوده و مباحث کلان این حوزه را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰؛ رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸؛ خیراللهی، ۱۳۸۹؛ رئیسی، ۱۳۹۲؛ عظیمی، ۱۳۹۲) کاربردی بوده و یا بخش‌هایی از این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

فرایند را بررسی کرده‌اند.

امـا علی‌رغـم پژوهش‌هـای صورت‌گرفته، موضوعی که به‌نظر می‌رسـد در ایـن حوزه تاحدی مغفول مانده اسـت و ضـرورت انجام پژوهش‌های بیشـتری را طلب می‌کند «بررسـی تناظر میان مراتب وجودی انسان و هستی و نحوهٔ تعامل آن‌ها با یکدیگر و بازتاب این رابطه بر ساختار و نحوهٔ شـکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری و جهت‌دهی به آن» اسـت که پژوهش حاضر قصد دارد به آن بپردازد.

پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسـش‌هایی که این پژوهش با آن روبه‌رو بوده و لازم اسـت براسـاس مبانی اسـلامی با تأکید بر دیدگاه حکمت متعالیه به آن پاسخ دهد به قرار زیر است:

- چیسـتی رابطهٔ انسان و هستی و چگونگی تأثیر این رابطه بر شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری؛
- فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس چه ساختار و مراحلی محقق می‌شود؟
- عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری کدام‌اند؟
- چگونه می‌توان سبب ارتقای کیفیت در شکل‌گیری فرایند خلق و ادراک آثار معماری شد؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی اسـت. تحقیق بنیادی خود بر دو نوع اسـت: نظری و تجربی و این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری اسـت. به اختصار می‌توان گفت راهبرد انجام این تحقیق اسـتدلال منطقی اسـت و در مرحلهٔ گردآوری داده‌ها از مطالعات اسـنادی و کتابخانه‌ای و در مراحل بعد، از روش اسـتدلال قیاسـی استفاده شده اسـت. اصول و گزاره‌های نظری‌ای که در مراحل این پژوهش از مبانی حکمت متعالیه اسـتخراج شـده اسـت به‌عنوان مفروضات اصلی در تحقیق مورداستفاده قرار گرفته است و این ظرفیت را داشته‌اند که براساس آن‌ها نتایجی منطقی در حوزهٔ تبیین ساختار و مراحل تحقق فرایند خلق و ادراک آثار معماری و ارتقای کیفیت این فرایند ارائه شود.

پیشینهٔ موضوع

فرایند طراحی معماری

فرایند طراحی مجموعه مراحلی اسـت که یک طراح به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه برای رسـیدن بـه طرح و ایدهٔ خود طی می‌کند. «ازنظر چینگ (۱۳۷۱) طراحی فرایندی حیاتی، قابل دسـترس و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

لذت‌بخش و سـازنده و نهایتاً فرایندی خلاقه اسـت. معماران به‌طور سنتی، نقش مهم و ممتازی در فرایند طراحی معماری دارند (گری و هاگز،[1] ۲۰۰۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت طراحی و به‌خصوص طراحـی معماری، فعالیت پیچیده‌ای اسـت که طـراح، دانش و توانایی‌هـای او در فرایند و کیفیت محصـول نهایی تأثیرگذار اسـت. مطالعات اخیر در این حوزه نشـان می‌دهد کـه دیگر نمی‌توان به طراحی به‌عنوان یک فرایند مشـخص و صرفاً عقلایی نگریسـت، بلکه نحـوهٔ تفکر طراح، فرهنگ، وجود و شخصیت او در این فرایند مؤثر و مهم است» (عظیمی، ۱۳۹۲: ص ۱۵).

برایان لاسـون فرایند طراحی را به‌صورت نوعی مذاکره بین مسـئله و راه‌حل ازطریق سه فعالیت تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی توصیف می‌کند (لاسـون، ۱۳۸۴: ص ۴۴) و ماریو سـالوادوری فرایند طراحی معماری را به برنامه‌ریزی، تدوین انگارهٔ اولیه، طراحی اولیه، تهیهٔ نقشـه‌های اجرایی و مرحلهٔ اجرا تقسیم می‌کند (همان: ص ۴۳).

با دقت در مدل‌های ارائه‌شده برای فرایند طراحی می‌توان گفت مجموعه‌ای از مدل‌ها بر عقلایی و عینی‌بـودن فراینـد دلالـت می‌کنند و گـروه دیگری از مدل‌هـا ماهیت فرایند را جدلـی می‌دانند. هورست ریتل (۱۹۷۲) گروه اول را نسل اول و گروه دوم را نسل دوم مدل‌های طراحی نامیده است. ترتیب زمانی این تفکیک نیز تا حدودی درسـت اسـت (لنگ، ۱۳۹۰: ص ۲۵). اما امروزه دیدگاه صرفاً عقلی و سیسـتماتیک به طراحی معماری تغییر کرده اسـت و مطالعات بر روی طراح و ذهن او تأکیـد می‌کنـد. «امروزه توافقی عمومی بر این ایده وجود دارد کـه به طراحی به‌عنوان فرایند حل مسـائل نامشخص[2] که به خلاقیت وابسته اسـت، می‌نگرد» (کاسکین،[3] ۲۰۰۸: ص ۴۷). مشکل اساسـی مدل‌های ارائه‌شـده برای فرایند طراحی این اسـت که از پرداختن به توانایی‌های انسـان یا واقعیت‌های محیط و یا متغیرهایی چون معنای نمادین محیط، که مشـکل درک می‌شـوند، اجتناب کرده‌اند.

بنابـر مطالعات صورت‌گرفته می‌توان گفت از سـال ۱۹۶۰ تاکنون، تحقیقات بسـیاری در این حوزه انجام شـده است. در دو دههٔ گذشـته، برایان لاسون و ویلیام میچل به مطالعهٔ تفکر طراحی و منطق طراحی معماری پرداختند. کنترل بر فرایند، هدف مطالعات کریسـتوفر، جونز و بروس آرچر بـود که کمتر موردتوجه قرار گرفته اسـت. سـاختار موضـوع مورد طراحی، توسـط پیتر لوین، بری پوینر و ملوین وبر به همراه هورست ریتر بررسی شده است (عظیمی، ۱۳۹۲). جنبه‌های شناختی

1. Gray and Hughes
2. Ill defined problem
3. Casakin

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

طراحی توسط امر ایکن، برایان لاسون، جین درک و فلسفهٔ روش‌های طراحی بیشتر توسط برادبنت و کراس مطالعه شـده اسـت (کراس،[1] ۱۹۸۴) و نگاهی جامع به فرایند خلق اثر معماری از ایده تا اجرا و ارزیابی پس از بهره‌برداری بیشـتر موردتوجه جونز، سـوینبرن، لاسـون و لنگ بوده اسـت و همان‌طور که اشاره شد، مدل‌هایی در این‌باره ارائه کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت به‌طور کلی سـه دیـدگاه پیرامون فرایند طراحی معماری وجود دارد؛ برخی آن را فرایندی شـهودی و غیرقابل توضیـح می‌دانند، برخی آن را فرایند عقلی و گروهی دیگـر آن را فراینـد جدلی می‌دانند. اما باوجود این اختلاف نظرها، بیشـتر افراد برای فرایند طراحی مراحلی را قائل شده‌اند (ر.ک.: لنگ، ۱۳۹۰: ص ۴۲). باید اشاره کرد علی‌رغم کثرت پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، نتایج حاصل از آن‌ها به‌طور محسوسی نتوانسته‌اند نقشی در تکمیل نتایج قبلی داشته باشند. زیرا هر کدام از منظری خاص به تبیین این فرایند و مراحل آن پرداخته‌اند. البته در مدل‌های کلی ارائه‌شـده برای فرایند طراحی معماری مانند مدل لاسـون، الکساندر و سوینبرن، که مراحل اصلی این فرایند را توضیح داده‌اند، تا حدی همگرایی دیده می‌شود.

نکتـهٔ مهـم و قابل‌توجهـی که از مطالعات انجام‌شـده حاصل شـده اسـت این اسـت که اکثر پژوهش‌هـای صورت‌گرفتـه تنها به بررسـی فرایند خلق آثـار معماری پرداخته‌انـد و مرحلهٔ ادراک مخاطـب (تأثیر اثر) از منظر متفکران جایگاه تعریف‌شـده‌ای در امتداد این فرایند ندارد و آن‌ها این دو مرحلـه را جدا درنظر گرفته‌اند و آن را به‌صورت منسـجم مطالعـه نمی‌کنند؛ ازاین‌رو، آنچه خلأ آن مشـهود اسـت و امـروزه در حوزهٔ فراینـد خلق و ادراک آثار معماری باید بیشـتر بـه آن پرداخته شـود بازخوانی سـاختار این فرایند در مرحلهٔ خلق و ادراک، توأمان و براسـاس مبانی مشـخص و یـک نگاه کل‌نگر اسـت که به منشـأ درونی و بیرونی ایـن فرایند و تأثیر آن بـر مخاطب توجه کند. همچنین، لازم به اشاره است منشأ و آغاز فرایند خلق و ادراک آثار معماری، که ایده‌های هنرمندان و معماران اسـت، نیز کمتر مورد توجه پژوهشـگران این حوزه قرار گرفته و به این بسـنده شده است که «فرایند خلق اثر معماری فرایندی صرفاً عقلی و سیسـتماتیک نیست و به خلاقیت انسان وابسته اسـت و حوزهٔ خلاقیت نیز بسیار پیچیده اسـت»، درصورتی که مرتبهٔ وجودی طراح، نحوهٔ تفکر و توانایی‌های او در شکل‌گیری این فرایند مؤثر است.

باید مدنظر قرار داد که ایده‌های معماران در فرایند طراحی از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و بر مخاطبان آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. پس اگر معماری را به‌عنوان یک پدیده در

1. Cross

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

نظر بگیریم، شـناخت و بررسی علت مادی، صوری، فاعلی و علت غایی آن امری مهم و ضروری است که علت فاعلی و غایی آن جزء مباحث معرفت‌شناسی هستند. ازاین‌رو، در بررسی این پدیده توجه به حوزهٔ انسان‌شناسـی و هستی‌شناسـی اهمیت زیادی دارد؛ بنابراین در مجموع، معماری با هر سـه حوزهٔ علوم مادی، زیستی و انسانی سـروکار دارد و شناخت هر سه حوزه برای شناخت این فرایند امری ضروری است.

بررسی فرایند خلق و ادراک آثار معماری برمبنای دیدگاه اسلامی

در برخـی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزهٔ بررسـی فرایند خلق آثـار معماری، مبانی نظری و مفروضات پژوهش برمبنای دیدگاه حکمت متعالیه بوده و نتایج ارائه‌شـدهٔ آن‌ها براسـاس این مبانی شـکل گرفته اسـت (رئیس سـمیعی، ۱۳۸۲؛ خاکی قصر، ۱۳۹۱؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران، ۱۳۹۰) که تا حدودی به جهت‌گیری پژوهش حاضر نزدیک است.

یکـی از ایـن پژوهش‌ها توجه ویژه‌ای به نظریهٔ مراتب وجود در معماری دارد (رئیس سـمیعی، ۱۳۸۲) و مطـرح می‌کنـد از آنجا کـه نظریهٔ مراتب وجود جایـگاه هر پدیده‌ای را در عالم هسـتی مشـخص می‌کند، به کمک این نظریه می‌توان مرتبهٔ وجودی هر چیزی را، از حالت انسـان گرفته تا یک اثر هنری و معماری، مورد تأمل و تفحص هستی‌شناسانه قرار داد و درنهایت، با توجه به نظریهٔ مراتب وجود به جایگاه برنامه‌ریزی، طراحی و معماری اشاره می‌کند. البته نتایج این پژوهش بیشتر در راسـتای تحلیل و تأمل هستی‌شناسی بر آثار معماری مورداستفاده قرار گرفته است و بسط آن در حوزه‌های فرایند طراحی معماری و روش‌های آموزش معماری به عهدهٔ سـایر پژوهشـگران در این حوزه قرار داده شده است.

در سـال‌های اخیـر پژوهش‌های دیگری نیـز در این حوزه از منظر حکمت متعالیه انجام شـده است که بیشتر به فهم فعل انسان، به‌ویژه در خلق آثار هنری و گاهی معماری پرداخته‌اند و به نقش قـوای انسـان، به‌خصوص قوهٔ خیـال و نحوهٔ تعامل آن بـا حس و عقل، در کلیات توجه داشـته‌اند؛ هرچنـد وارد جزئیات نشـده‌اند، سـعی کرده‌اند رویکردهـای جدیدی را در این حـوزه مطرح کنند و بـا توجه به تناظرهایی که میان مراتب وجود و نفس انسـان وجود دارد، سـعی دارند مبانی پایه‌ای در حـوزهٔ فراینـد آفرینش‌های هنری انسـان تبیین کنند (خواجوی و همـکاران، ۱۳۸۹؛ اخلاصی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عظیمی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌هـای صورت‌گرفتـه در حوزهٔ بررسـی فرایند طراحی معماری براسـاس مبانی حکمت متعالیـه مطرح می‌کند که فرایند آفرینش از معنا آغاز می‌شـود. سـیر تجلی معنـا در اثر معماری با

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

کمک و واسطهٔ خیال صورت می‌گیرد. بدین قرار که هر مفهوم یا معنایی برای گرفتن صورت در عالم واقع و محسوس ابتدا باید تصویری خیالی بگیرد. معنا از وجود طراح می‌آید و تصاویر خیالی معنا در فضا یا فرم معماری می‌نشـینند. در روش معنا، خیال معماری ایدهٔ طرح از برایند و تعامل تجلی معنـا در ایدهٔ خیالی و حوزهٔ کمی معماری حاصل می‌شـود که باعث دسـتیابی به نهفتگی، ارتقای کیفیت معماری و رسیدن به محصول متعالی‌تر می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌هایی نیز در حوزهٔ فرایند خلق آثار معماری، با ارائهٔ جزئیات بیشتر، به بسط این نظریات پرداخته‌انـد و هر یک از آن‌ها بر بخش‌هایی از این فرایند تمرکز یافته‌اند و مؤلفه‌های مؤثر بر آن را با جزئیات بیشـتری مطرح کرده‌اند. بیشـتر این‌گونه پژوهش‌ها پیرامون مراحل آغاز فرایند معماری تا ارائهٔ پیش‌طرح‌های اولیه صورت گرفته است (رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸؛ خیراللهی، ۱۳۸۹).

از آنجـا کـه رویکرد ایـن پژوهش توجه به معرفت‌های حاصل‌شـده از راه عقـل و نقل در کنار هـم بـود، مروری بـر دسـتاوردهای صاحب‌نظران سـایر دیدگاه‌ها در حـوزهٔ فرایند خلـق و ادراک آثـار معماری صورت گرفت تا ضمـن مدنظر قراردادن آخرین دسـتاوردهای این حوزه، درصورت امکان از نتایج آن‌ها در کنار نتایج استخراج‌شـده از مبانی اسـلامی بهره گرفته شـود. اما مطالعات صورت‌گرفتـه نشـان داد به‌دلیـل تفاوت دیدگاه‌های نظـری، عدم توجه توأمان بـه دو مرحلهٔ خلق و ادراک آثار معماری در سـاختارها و مدل‌های ارائه‌شـده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری و عدم توجـه به علت فاعلی و غایی شـکل‌دهنده به آثـار معماری بر پایهٔ مبانی نظری مشـخص در حوزهٔ انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، امکان بهره‌برداری از این بخش از مطالعات در ادامهٔ پژوهش وجود نخواهد داشت.

بخـش دوم مرور ادبیات موضوع نشـان داد پژوهش‌های مختلفی در حوزهٔ مسـئلهٔ این پژوهش براسـاس مبانی اسـلامی صورت گرفته اسـت که برخی از این پژوهش‌ها از نوع بنیـادی بوده‌اند و مباحث کلان حوزهٔ فرایند خلق و ادراک آثار معماری را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر بخش‌هایی از این فرایند را بررسی و نتایجی ارائه کرده‌اند. مطالعات این بخش نشان می‌دهد کلیات ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براسـاس مبانی اسلامی تاحدی بازخوانی شده است و آن بخش که نیاز به پژوهش در آن ضروری اسـت تبیین ساختار و ارکان سـازندهٔ فرایند خلق و ادراک آثار معماری و مراحـل آن با جزئیات بر پایهٔ مبانی حکمت متعالیه اسـت تا مراحـل کار از ابتدا تا انتها با هم دیده شود و محتوای هر یک از مراحل این فرایند نیز به‌راحتی قابل شناخت، درک و ارزیابی باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

تبیین فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

معماری از آن دسته معارف بشری است که با هر سه حوزهٔ معرفت‌شناسی یعنی حوزهٔ علوم طبیعی، علوم انسانی، خلاقیت و هنر در ارتباط است و فرایند شکل‌گیری و پرورش ایده تا خلق اثر معماری و ادراک آن مقوله‌ای چند بعدی است. باید اشاره کرد درحال‌حاضر دو دیدگاه دربارهٔ علم وجود دارد: «علم بریده از حکمت و علمی که متصل با حکمت است (حکمت به‌طور کلی فهم وجود و فهم مبادی و اصول وجود است. حکیم کسی است که مبادی وجود را می‌فهمد و به مبادی کلی هستی پی می‌برد). ممکن است علم به این امور بی‌تفاوت باشد و اصلاً توجهی به این‌ها نداشته باشد؛ درواقع، علوم جدید نسبت‌به این مبادی تقریباً بی‌تفاوت‌اند یا اصلاً توجهی ندارند» (اعوانی، ۱۳۹۰). این علوم منحصراً آنچه را می‌داند که در بیشترین وجه با وی هم‌افق است (ندیمی، ۱۳۸۰: ص ۵۰)، اما از منظر اسلام، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس، فرایند خلق آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ بنابراین، دیدگاهی که همراه‌بودن معماری با حکمت یا جدایی معماری از آن را مدنظر قرار می‌دهد دو نظر متفاوت دربارهٔ جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری و محتوای اثر خواهد داشت و هدف غایی آن‌ها در بیان معماری متفاوت خواهد بود و این دیدگاه آنان بر کیفیت و اصالت آثار معماری نیز تأثیر جدی خواهد گذاشت که در این فصل مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

انسان، به اعتبار اینکه خلیفهٔ خداست و صورت الهی دارد و خداوند صفت خلاقیت را به او عطا کرده است، می‌تواند صورت اشیا را به‌وجود آورد. مطالعات صورت‌گرفته در این پژوهش نشان داد خلق و آفرینش در انسان امری تدریجی است و در قالب سلسله‌مراتبی تحقق می‌یابد؛ ازاین‌رو، فرایند خلق آثار معماری ساختاری حساب‌شده و دقیق است. به‌نظر می‌رسد اگر معمار شناخت مناسبی از فرایند آفرینش الهی پیدا کند، بالتبع شناخت فرایند خلق و ادراک آثار معماری برای او راحت‌تر خواهد بود و این شناخت کمک می‌کند تا آثار معماری خلق‌شده کیفیت بهتری داشته باشند.

حال سؤال اصلی اینجاست که فرایند خلق و ادراک آثار معماری با چه ساختاری و طی چه مراحلی تحقق می‌یابد و عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت این فرایند کدام‌اند و کدام مراحل این فرایند می‌توانند تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

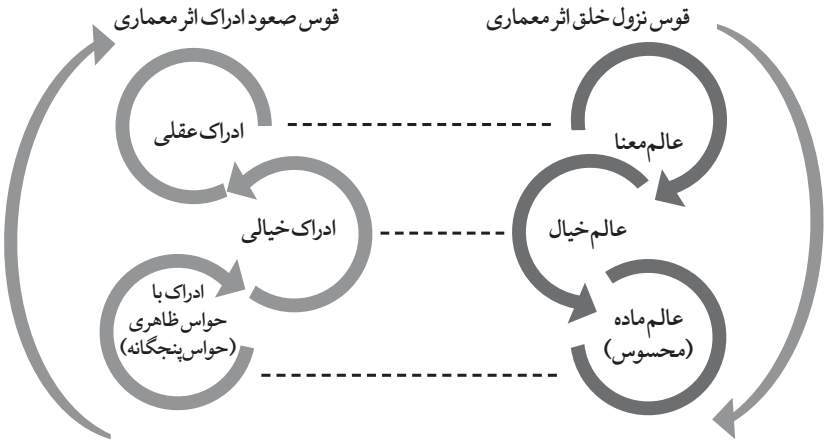
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری

براســاس دیدگاه حکمت متعالیه، فرایند آفرینش‌های انسانی، فعلیت و ظهور حقایق مراتب متعالی نفس در قوای مراتب پایین‌تر اســت که درنهایت در بدن جســمانی و در عالم ماده نمود می‌یابد و از خلال آن اثری محســوس و عینی به‌وجود می‌آید؛ به‌عبارتی، انسان در خلق آثار خود یک سیر نزول از معنا به ماده را طی می‌کند و نفس انســان معنایی را که متناســب با مرتبهٔ وجودی خویش اســت «ابتــدا به تعقل و ســپس نزولاً به تخیــل می‌آورد، یعنی از قوهٔ تخیل معانی کلی را به اشــکال جزئی تمثیــل می‌دهد (حســن‌زاده آملــی، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۴۲). در ادامه این تجلیــات پی‌درپی در مرتبهٔ مادی نفس، یعنی بدن نمود پیدا می‌کند و درنهایت همان معنا را به شــکل آفریده‌ای محســوس در عالــم مــاده حاضر می‌کنــد. این فرایند همان فراینــد حرکت از معنی به ماده یــا تجلی علم در عمل اســت. ادراکات مخاطب نیز در سِــیری صعودی شکل می‌گیرد که در آن فعلیات نفس، که در قوای جســمانی او ظهور می‌یابند، مانند ادراکات حــواس پنج‌گانه یا اعمال اعضا و جوارح، خود بازتابی در نفــس پیــدا می‌کنند و جوهر آن را تغییر می‌دهند؛ باید توجه داشــت خالق اثر اولین مخاطب اثر اســت و تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرد که این موضوع ناشــی از رابطهٔ ذاتی و ضروری میان نفس و بدن انسان است.

بر این اســاس، می‌توان مدل فرایند خلق و ادراک آثار معماری را با الگوگیری از قوس نزول در آفرینش الهی به‌صورت اجمالی در قالب نمودار ۱ نشان داد.

ساختار کلی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری



نمودار ۱. ساختار کلی فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

بایـد توجه داشـت که مراتب شـکل‌دهنده بـه این فرایند متأثـر از عوالم هسـتی و مراتب نفس انسان‌هاست که در تناظر دقیقی با یکدیگر قرار دارند و درحقیقت همین تناظر است که امکان خلق و ادراک متقابل آثار هنری و معماری را به انسان‌ها می‌دهد؛ ازاین‌رو، قبل از بسط ساختار و مراحل ایـن فرایند و پرداختن به جزئیات سـاختاری و چگونگی تحقق مرحله بـه مرحلهٔ آن، به تناظر میان مراتب نفس انسان هنرمند و عوالم هستی (محیط) اشاره می‌کند و براساس آن به تبیین رابطهٔ انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری پرداخته خواهد شد تا به کمک آن بتوان شناخت مناسب‌تری از ساختار و مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری به‌دست آورد.

تبیین رابطهٔ انسان و هستی و بازتاب آن بر اثر معماری

در این قسمت با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعات و پژوهش‌های پیشین نگارنده پیرامون مقولهٔ انسـان، هسـتی و معماری و رابطهٔ آن‌ها با یکدیگر (ر.ک.: نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۱۰۴؛ تقدیر، ۱۳۹۶: ص ۴۸)، ابتدا رابطهٔ انسـان و هسـتی و بازتاب آن بر اثر معماری در یک سـاختار منطقی بیان شده است تا در ادامه بتوان از نتایج آن به‌عنوان فرض‌های اصلی پژوهش استفاده کرد.

براسـاس دیـدگاه حکمت متعالیه می‌توان گفت تناظری میان مراتب وجودی انسـان و هسـتی با یکدیگر وجود دارد و هر عالم یا مرتبه‌ای از وجود، به‌واسـطهٔ نوع ادراکی که به آن تعلق دارد، شـناخته می‌شود و سه مرتبهٔ اصلی ادراک (ادراک حسی، خیالی و عقلی)، دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی‌اند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق است و وجود ظرفیتی است که به انسان این توان را می‌بخشد که با تصور عوالم برتر هستی در درون خود به بازآفرینی آن‌ها در بستر هنر و معماری بپردازد.

البته دسـتاوردهای مطالعات نظری این پژوهش و یافته‌های مسـتخرج از آن‌ها نشان داد در یک تعریف دقیق، براسـاس دیدگاه اسـلامی، باید برای نفس انسان چهار سـاحت (نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقهٔ قدسی و ملکهٔ الهی) و چهار مرتبه نیاز (مادی، روانی، عقلانی و روحانی) قائل شد. همچنین، نشان داده شد فضای معماری می‌تواند قابلیت هماهنگی با هر چهار ساحت نفس انسان و بسترسازی برای پاسخ‌گویی به نیازهای چهارگانهٔ او را داشته باشد.

بنابر آنچه اشـاره شـد، فضای معماری در ظاهر و باطن می‌تواند قابلیت‌هایی متناظر با مراتب نفس انسان و عوالم هستی داشته باشد و به انسان کمک کند تا با استفاده از قابلیت‌های ادراکی خود (حس، خیال، عقل، شـهود) شـناخت و معرفت مناسبی از هسـتی پیدا کند و بستر پاسخ‌گویی به نیازهای چهارگانهٔ متناظر با مراتب نفس خود (مادی، حسی روانی، عقلانی و روحانی) را متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم آورد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

آنچه در این مقوله اهمیت دارد و نباید از آن غفلت شـود سـطح معرفـت معمار و مرتبهٔ ادراک او از هسـتی اسـت؛ زیرا او به‌عنوان یک انسان متناسب با اینکه نفس او در چه مرتبهٔ وجودی باشد، ادراکی به هسـتی پیدا کرده که منشأ الهامات او شـده است. پس هر اندازه معمار به‌عنوان خالق اثر معماری دارای مرتبهٔ وجودی بالاتری باشـد، درک عمیق‌تری از خلقت هسـتی مراتب آن، انسـان و قوای آن به‌دسـت خواهد آورد و الهامات او متعالی‌تر می‌شـود و تجلی این الهامات در آثار او قابل مشاهده خواهد بود؛ بنابراین، اثر معماری نیز دارای یک مرتبهٔ وجودی متناسب با مرتبهٔ نفس معمار و منشأ الهام او خواهد بود و به همین نحو، هر قدر مخاطب معرفت و مرتبهٔ وجودی بالاتری داشته باشد، مفاهیم متجلی‌شده در اثر معماری را با استفاده از ابزار ادراکی خود بهتر بازخوانی (تأویل) و فهم می‌کند. اعوانی در این‌باره بیان می‌کند: «این امر که انسانی که به هنر می‌پردازد چگونه انسانی اسـت در معماری امر مهمی اسـت. آیا انسانی معنوی اسـت که عالم را معنوی و الهی می‌بیند و یا این‌گونه نیست؟ همچنین، این امر که انسانی که برای او معماری و فضایی را ایجاد می‌کنیم، چگونه انسـانی اسـت هم نقش مهمی در معماری دارد. بالأخره انسـان به تعبیر قرآن موجودی است که از اسفل‌السـافلین تا اعلی علیین می‌تواند ظهور داشته باشد. مخاطب معماری چگونه انسانی است؟ انسان موردنظر هنر معنوی یک انسان به معنای انسان کامل، معنوی و الهی با تمام نیازهای اوست؛ بنابراین، درواقع هنر سنتی به نفس انسان برای رسیدن به کمال معنوی کمک می‌کند. به تعبیر دیگر، هنر یا می‌تواند بازدارندهٔ راه کمال معنوی باشـد یا می‌تواند به انسـان در پیمودن کمال معنوی کمک کند و این امر بستگی به این دارد که ما چه هنری را به‌کار ببریم» (اعوانی، ۱۳۹۰).

ازایـن‌رو، انسـان هنرمنـد (معمار) باید با کسـب ایمـان و معرفت و عمل بـه آن (انجام عمل صالح)، طی حرکت جوهری مرتبهٔ وجودی نفس خود را ارتقا دهد تا تمامی قوای ادراکی او بالفعل و تعامل حداکثری میان انسـان و هستی برقرار شود و درنتیجه منشأ الهامات او متعالی شود و زمینهٔ خلق اثری شایسـته فراهم شـود. به همین خاطر است که در آموزه‌های اسلامی توصیه‌های بسیاری در راسـتای مراقبت از ادراکات انسـان شده اسـت که زمینهٔ اتصال او به عوالم برتر و بسترساز کمال وجودی اوسـت. برای نمونه، گفته شده است «آنکه به نعمت مراقبت متنعم است می‌داند که هرچه مراقبت قوی‌تر باشد، تمثلات و واردات و ادراکات و منامات زلال‌تر و عبارات، که اخبار برزخی‌اند، رساتر و شیواترند (ر. ک.: حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶: ص ۲۹).

آنچه این پژوهش در این بخش به آن تأکید دارد، نگاهی جامع به سـاحت‌های وجودی انسـان در طراحی فضای معماری اسـت. زیرا نفس انسـان دارای مراتب چهارگانه است و هر کدام از آن‌ها سـازندهٔ بعدی از حیات او هسـتند. همان‌طور که اشاره شد، هدف زندگی انسان دستیابی به حیات

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

طیبه[1] و درنهایت، قرب الهی است و در نگرش اسلامی حیات طیبه، با عنایت به جنبه‌های مختلف زندگی انسان و استقلال نسبی آن‌ها از یکدیگر، در بردارندهٔ شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌کنند و نباید از توجه مناسب به هیچ‌یک از این شئون غافل شد؛ ازاین‌رو، با تسری این مفهوم به معماری، که ظرف و بستر زندگی انسان است، باید نتیجه گرفت که نباید هیچ بعدی از وجود انسان را در طراحی فضای معماری نادیده گرفت.

بنابراین، براساس مبانی حکمت متعالیه تناظر دقیق و معناداری میان مراتب نفس انسان و ساحات ادراکی او با مراتب هستی وجود دارد و انسان برای پاسخ‌گویی به خواست‌ها و نیازهایش با هستی (محیط پیرامون خود) تعامل می‌کند و فضای معماری این قابلیت را دارد تا به‌عنوان یک واسطه، بستری برای تعامل و پاسخ‌گویی به نیازهای انسان برقرار کند؛ ازاین‌رو، معماری شایسته از منظر اسلام باید در ظاهر و باطن قابلیت‌هایی متناظر با مراتب وجودی نفس انسان و مراتب هستی داشته باشد و بستر اغنای نیازهای چهارگانهٔ نفس انسان را متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی فراهم کند و به تبع آن، زمینهٔ رشد و تعالی او و ارتباط با حضرت حق را مهیا کند و به هر میزان در تحقق این امر موفق باشد، دارای مرتبهٔ وجودی بالاتری خواهد بود.

برای جمع‌بندی و کاربردی کردن نتایج این بخش دربارهٔ انسان، هستی و معماری و رابطه و تناظر مراتب وجودی آن‌ها براساس دیدگاه اسلامی از یک جدول چهاربخشی استفاده شده که متناظر با مراتب چهارگانهٔ نفس انسان تنظیم شده است.

جدول ۱. تبیین سطوح تعامل انسان و هستی و بازتاب آن در معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

انسان			هستی	معماری		نوع و سطح تعامل انسان و هستی
مرتبهٔ نفس	نیازهای انسانی	ابزار ادراکی	مرتبهٔ هستی منشأ الهام معماران	مرتبهٔ اثر معماری	سطوح قابلیت فضای معماری	
نامی نباتی (رشدکنندهٔ گیاهی)	نیازهای مادی و فیزیولوژیک	قوای نباتی	عالم ملک (عالم طبیعت)	مرتبهٔ ۱: فضای فیزیولوژیک	بسترسازی برای اغنای نیازهای مادی و فیزیولوژیک	انسان محاط در عالم ملک (نوع ارتباط جبری است)

۱. قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فَلَنُحيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷). استفاده از تعبیر «حیات طیبه» برای اشاره به وضعیت شایستهٔ زندگی انسان در دنیا براساس نظام معیار دینی و به‌مثابه مصداق عینی و ملموسِ مفهوم عمیق و عرفانی «قرب الی الله» پیش از این در بیانات متفکران اسلامی سابقه دارد (صادق زاده، ۱۳۹۰: ص ۱۲۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

حسی حیوانی (حس‌کنندهٔ حیوانی)	نیازهای روانی	حس و خیال	عالم ملک و عالم مثال مقید (خیال متصل)	مرتبهٔ ۲: فضای روانی	بسترسازی برای اغنای نیازهای روانی فردی، خانوادگی و اجتماعی	انسان محاط در عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم خیال متصل، متناسب با مرتبهٔ وجودی‌اش (نوع ارتباط جبری است)
ناطقهٔ قدسی (تدبیرگر قدسی)	نیازهای عقلانی	عقل	عالم ملکوت (مثال یا خیال منفصل) و عالم جبروت اسفل (عقول مجرد)	مرتبهٔ ۳: فضای عقلانی	بسترسازی برای اغنای نیازهای عقلی‌ـشناختی	انسان محیط بر عالم ملک و گاهی در ارتباط با عالم ملکوت (خیال منفصل) و عالم عقول مجرد، متناسب با مرتبهٔ وجودی‌اش (نوع ارتباط اختیاری است)
کلی الهی (ملکهٔ الهی)	نیازهای روحانی	قلب	عالم جبروت اعلی (اعلی علیین)	مرتبهٔ ۴: فضای روحانی	بسترسازی برای اغنای نیازهای روحانی و معنوی با توجه به هنر و زیبایی	انسان به‌عنوان خلیفةالله محیط بر عوالم هستی (ملکوت و جبروت) (نوع ارتباط اختیاری است)

در اینجا لازم به یادآوری است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳) از دیدگاه حکمت متعالیه نفس انسان از ابتدای وجود خود درجات متعددی را می‌پذیرد و با حرکت جوهری اطوار مختلف وجودی را سپری می‌کند؛ بنابراین، نفس انسان دارای مراتب طولی متعددی است که هر یک کامل‌تر از مادون خود است و یافتن مراتب عالی به معنای ازدست‌دادن مراتب مادون و کمالات مربوط به آن‌ها نیست، بلکه هر مرتبه متمم مرتبهٔ قبلی است. به همین دلیل سیر انسان را از ظاهر به باطن، از صورت به معنا و از کثرت به وحدت تعبیر می‌کند و از مفهوم صیرورت یعنی ارتقای مرتبهٔ وجودی در حکمت متعالیه بحث می‌شود.

بازخوانی فرایند خلق آثار معماری

براساس دیدگاه حکمت متعالیه، فرایند خلق آثار معماری مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ بنابراین، نگارنده با کمک مطالعات مبسوط صورت‌گرفته در این حوزه (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۵۱) مطرح می‌کند که می‌توان ساختار این فرایند را با کمک ساختار فرایند خلق عالم هستی بازخوانی کرد. در توضیح مراتب آفرینش اثر معماری با الگوگیری از مراتب خلق عالم هستی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

می‌توان گفت معماری مبتنی‌بر یک فرایند تکوینی از مرحلهٔ معنا (مفهوم) تا صورت (کالبد) شکل می‌گیـرد و رابطهٔ معنا و صورت در اثر معماری یک رابطهٔ به‌هم‌تنیده اسـت. برای توضیح این رابطه می‌توان به رابطهٔ روح و کالبد اشـاره کرد. ملاصدرا روح را محصول حرکت جوهری کالبد می‌داند؛ نه به آن معنا که روح معلول کالبد اسـت، بلکه کالبد تنها شـرایط ظهور روح را فراهم می‌کند. روح در پیدایش و ظهور نیازمند زمینهٔ مادی است، اما در بقا و دوام مستقل از ماده و شرایط مادی است. ماده تنها زمینهٔ حلول روح را فراهم می‌کند.

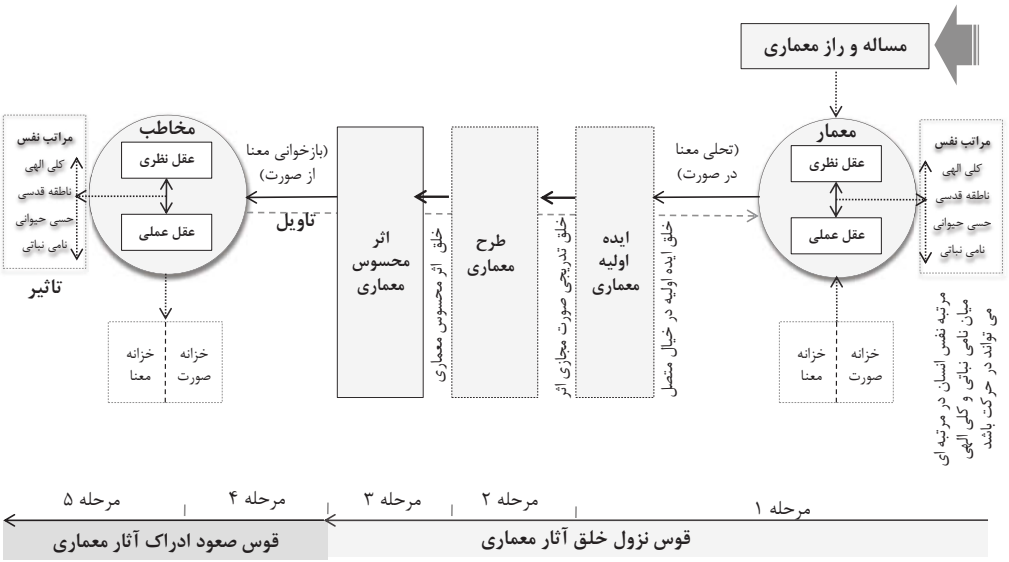
با مدنظر قراردادن این تعریف می‌توان اظهار داشت که مفهوم یا همان معنا بر مصداق یا همان کالبـد تقـدم دارد. البته این تقدم بـه معنای نفی مصداق نخواهد بود؛ چراکـه مصداق یا کالبد باید به‌نحوی متجلی شـود که زمینهٔ ظهور معنا را به‌نحوی شایسـته فراهم کند (ر.ک.: آشتیانی، ۱۳۸۰: ص ۵۷). همچنین، باید توجه داشت از آنجا که فعلیت و حیات نفس به معارف است و انسان جز علـم و عملش نیسـت و آن دو با نفس اتحاد وجودی دارند، پس معنـای ظهوریافته در اثر معماری انعکاس مرتبهٔ وجودی هنرمند اسـت که صورتی مادی پیدا کرده اسـت؛ ازاین‌رو، عامل اصلی در کیفیت آثار معماری هم بیش از هر چیز مرتبهٔ نفس معمار اسـت که غنای محتوای خزانهٔ صورت و معنا در نفس او به آن وابسته است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۴۸). همچنین، در لحظهٔ شکل‌گیری ایدهٔ معماری در زمان انتخاب معنا و صورت توسـط قـوهٔ متصرفه، مؤثرترین عامل بر کیفیت ایده، باز همین مرتبهٔ وجودی نفس معمار اسـت که در اصل هر دو متأثر از برایند علم و عمل او، انگیزهٔ او را در شروع این فرایند جهت‌دهی می‌کنند.

همان‌گونه که اشـاره شـد، اگر قـوهٔ متصرفه در معمار را واهمه یا نفـس حیوانی به‌کار گیرد و در صور و معانی جزئی تصرف کند، این قوه «متخیله» نامیده می‌شـود و اگر در اسـتخدام عقل و نفس ناطقه قرار گیرد و عقل به کمک آن‌ها به تعریف و استدلال بپردازد، به آن «متفکره» گفته می‌شود. در اصل جهت فرایند خلق اثر معماری وابسته به جهت‌گیری قوهٔ متصرفه است و هر میزان قوهٔ متصرفه در اختیـار نفس حیوانی انسـان قرار گیرد، کیفیت آثار معمـاری پایین‌تر و بالعکس، به هر میزان قوهٔ متصرفه در اختیار نفس عقلانی انسان قرار گیرد، کیفیت آثار معماری بهتر خواهد بود.

با مدنظر قراردادن سـاختار کلی ارائه‌شـده از فرایند خلق و ادراک آثار معماری براسـاس قوس نـزول خلـق و قوس صعود ادراک (نمودار ۱) و یافته‌های این بخـش پیرامون بازخوانی مراحل خلق آثـار معماری می‌توان سـاختار فرایند خلق و ادراک آثار معمـاری و مراحل آن را در قالب یک مدل به‌صورت نمودار ۲ نشـان داد. در این نمودار به شـکلی ساده ساختار و مراحل این فرایند نشان داده شده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]



نمودار۲. ساختار و مراحل فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه

نکتهٔ مهم در این مدل، توجه توأمان به مرحلهٔ خلق و ادراک آثار معماری است که شامل مرحلهٔ مواجهه با مسئلهٔ معماری توسط نفس ناطقهٔ معمار، شکل‌گیری ایدهٔ اثر معماری، شکل‌گیری صورت مجازی اثر معماری، شکل‌گیری اثر محسوس معماری، ادراک اثر معماری و مرحلهٔ تحول نفس ناطقهٔ انسان مخاطب است. البته برای بسط این ساختار با جزئیات بیشتر و تبیین چگونگی تحقق مراحل آن لازم است ابتدا شناختی از خزانهٔ معنا و صورت در نفس انسان صورت گیرد.

خزانهٔ معنا و صورت در نفس معمار

هر انسانی متناسب با مرتبهٔ وجودی نفس خویش سطحی از تعامل با عوالم هستی برقرار می‌کند و به سبب آن و به‌واسطهٔ قوای ادراکی خود مجموعه‌ای از معانی و صورت‌ها را در نفس خویش ذخیره می‌کند (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۶: ص ۶۰). بنابر اطلاعات به‌دست‌آمده می‌توان گفت اگر ظرفیت حداکثری در خزانهٔ معنا و صورت محقق شود، سطوح داده‌های آن‌ها به‌صورت نمودار ۳ خواهد بود. بر این اساس، خزانهٔ معنا دارای چهار سطح کیفت و خزانهٔ صورت دارای سه سطح کیفیت خواهد بود (همان).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]



نمودار۳. معرفی سطوح کیفیت در خزانهٔ معنا و صورت براساس مبانی حکمت متعالیه

شـایان ذکر اسـت زمانی که معمار دید جامعی از عوالم هستی نداشـته باشد و محیط پیرامون خود را به عالم طبیعت (ملک) محدود کند و تنها با آن در تعامل باشد، این خزانه از حداقل ظرفیت خود برخوردار خواهد بود.

بـه گفتهٔ ملاصدرا قوهٔ متصرفهٔ انسـان می‌توانـد قوهٔ حافظه و خیال را به اسـتخدام خود درآورد، در معانـی و صـور جزئی موجـود در آن‌ها تصرف کند و به تجزیه و تحلیل یـا ترکیب آن‌ها بپردازد. بدین‌سان، متصرفه با اشراف بر خزانهٔ صور و معانی، از راه تجزیه و تحلیل آن‌ها، صورت‌های نوینی می‌آفریند و حس مشترک را در معرض مشاهده و درک آن‌ها قرار می‌دهد. بدین‌سان، عقل یا وهم با به‌کارگیری قوهٔ متصرفه، به حجم گسترده‌ای از صور و معانی دست می‌یابند. البته باید توجه داشت «انسـان با قـوهٔ خیال خود می‌تواند حتی بدون الگوبـرداری از داده‌های حواس، صورت‌هایی خلق کند که از هر جهت شبیه آفرینش ابداعی خداوند باشد» (ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰: ص ۱۷) که از این‌گونه خلق در انسان با عنوان «تخیل خلاق» نام برده می‌شود (ر.ک.: نامور مطلق، ۱۳۸۴: ص ۲۰۸).

رابطهٔ خزانهٔ معنا و صورت با کیفیت خلق آثار معماری

خلـق و آفرینـش در حوزهٔ هنر و معماری در سـطحی متناسـب با مرتبهٔ نفس انسـان و غنای خزانهٔ صـورت و معنـا در او انجام می‌گیرد و این امر زمینه‌سـاز کیفیات مختلف در آثارخلق‌شـدهٔ هنری و معماری می‌شـود. البته در کنار غنای خزانهٔ صورت و معنا، توانمندی و اسـتعداد ذاتی انسـان نیز

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

در کیفیت شـکل‌گیری خلق و آثار خلق‌شده تأثیر بسـزایی دارد. در یک طبقه‌بندی اجمالی می‌توان چگونگی خلق آثار معماری را با توجه به توانمندی‌های انسـان هنرمند در دو سـطح کلی به‌صورت زیر تقسیم کرد:

سطح ۱: در این سطح هنرمند در آفرینش خود تنها به بازنمایی معانی و صورت‌های دریافت‌شده می‌پردازد که در خزانهٔ نفس خود دارد.

سـطح ۲: در این مرتبه هنرمند با جسـت‌وجو و ترکیب داده‌های موجود در خزانهٔ صورت و معنا اقدام به خلق می‌کند. این نوع خلق است که با نوآوری همراه است.

در هر دو سـطح آنچه سبب کیفیت متفاوت در همان سـطح از خلقت می‌شود، کیفیت تعامل انسـان هنرمند با عوالم هستی (محیط) اسـت. البته به گفتهٔ پژوهشگران خلاقیت و نوآوری در کار هنرمندان بیشـتر در سـطح دوم محقق می‌شود و باعث می‌شود آثار خلق‌شـده صورت‌هایی داشته باشند که برای همگان آشنا نیست (ر.ک.: نامور مطلق، ۱۳۸۴: ص ۲۰۸).

با توجه به دستاوردهای این پژوهش می‌توان گفت کیفیت آثار معماری در دو بخش قابل بررسی است؛ در بخش یک، که حوزهٔ محتواست، کیفیت تا حد زیادی وابسته به مرتبهٔ نفس معمار و غنای خزانهٔ معنا و صورت در آن اسـت که امری اکتسـابی است و معمار باید ازطریق بالفعل‌سازی قوای عقل نظری و ظرفیت‌های عقل عملی (با تهذیب نفس، تهذیب باطن، تزکیه وغیره) در ارتقای مرتبهٔ وجودی خویش و دستیابی به معانی و صورت‌های ماورای عالم طبیعت (ملک) همت کند. اما در بخش دوم، که مربوط به ارائهٔ محتوا در قالب آثار هنری و معماری است، معمار نیاز به مجموعه‌ای از استعدادهای ذاتی و فراگیری مهارت‌های تخصصی دارد.

مراحـل فراینـد خلق و ادراک آثار معماری و عوامل مؤثر بر کیفیت آن براسـاس مبانی حکمت متعالیه

مرحلهٔ اول: شکل‌گیری ایده

مرحلهٔ اول شـروع قوس نزول خلق آثار معماری اسـت و ایدهٔ اولیهٔ معماری درآن شکل می‌گیرد که به آن کانسپت[1](ایده مفهومی) معماری نیز گفته می‌شود. این ایده مانند بذری است که قابلیت‌های زیادی در آن وجود دارد و معمار متناسـب با توانایی‌ها و مهارت‌های خود می‌تواند آن‌ها را شـکوفا کند و کیفیت خلق آثار معماری تا حد زیادی متأثر از این ایده و کیفیت این ایده متأثر از مرتبهٔ نفس

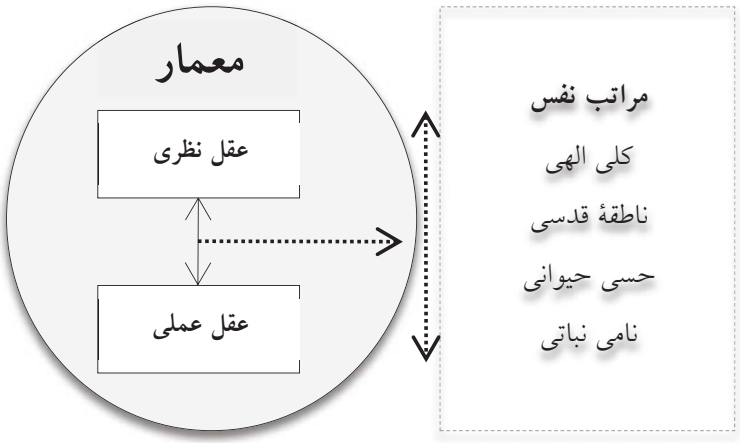
1. Concept

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

معمار است. به همین دلیل، مهم‌ترین عامل مؤثر بر کیفیت ایدهٔ اولیهٔ معماری و به تبع آن، کیفیت اثر معماری خلق‌شده مرتبهٔ نفس معمار است.

• مرتبهٔ نفس معمار

مرتبـهٔ نفس انسـان نتیجهٔ تحقـق عقل نظری و عقل عملی و تعامل میان این دو اسـت که یکی مبدأ ادراک و علـم انسـان و دیگـری مبـدأ عمل و اخلاق اوسـت و این دو همواره در یـک رابطهٔ رفت و برگشـتی با یکدیگر هسـتند و بر هـم تأثیرگذارنـد. (ر.ک.: تقدیـر، ۱۳۹۳: ص ۱۲۵)؛ به‌عبارتی، مرتبـهٔ نفس انسـان برایند حاصل از تعامل علم و عمل اوسـت و او متناسـب با آن معرفت کسـب می‌کند و مبانی نظری خود نسبت‌به انسان و هستی و مراتب هر یک را شکل داده است. درحقیقت، سـطح معرفت معمار اسـت که انگیزهٔ او را شکل می‌دهد و جهت‌گیری فرایند خلق آثار معماری را مشـخص می‌کند. زیرا نفس انسـان مختار است و می‌تواند در مرتبه‌ای بین مرتبهٔ نباتی تا مرتبهٔ کلی الهی (که همان مرتبهٔ انسان کامل است)، مطابق آنچه در نمودار ۴ نشان داده شده است، قرار گیرد و درواقع، انگیزهٔ معمار، که همان نیت اوست، عامل اصلی جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری است.



نمودار۴. مرتبهٔ نفس معمار برایند تعامل عقل نظری و عقل عملی در انسان

همچنین، مرتبهٔ وجودی انسـان اسـت که سـطح تعامل او با هسـتی را مشخص می‌کند و همان‌گونه که اشـاره شـد، هرچه این مرتبه متعالی‌تر باشـد، خزانهٔ معنا و صورت در نفس او غنی‌تـر خواهـد بود و به همان میزان و متناسـب با اسـتعداد معمار، کیفیـت آثار معماری خلق‌شـده نیز بالاتر خواهد بود. همان‌طور که گفته شـد، زمانی کامل‌ترین خزانهٔ صورت و معنا شـکل می‌گیرد که معمار به مرتبهٔ انسـان کامل رسـیده باشـد و بتواند حداکثر تعامل با

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

عوالم هستی را داشته باشد و به احصا و ادراک متعالی‌ترین معانی نائل شود که این مبانی براساس مبانی حکمت متعالیه اسماء و صفات الهی هستند. زیرا درحقیقت تمام هستی تجلی خداوند هست. اصل توحید و اسماء و صفات الهی واسطهٔ میان ذات و مصنوعات او هستند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۶: ص ۲۶۷).

• اعتدال مزاج، عامل مؤثر بر ادراک انسان

نکتهٔ مهم دیگر که در شروع این فرایند و در شکل‌گیری ایدهٔ معماری باید به آن توجه شود و نباید از آن غافل بود توجه به اعتدال مزاج در معمار است. اعتدال مزاج نقش مهمی در فرایند ادراک و فهم انسان دارد و بر فعل انسان تأثیرگذار است (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۱۲۷)؛ ازاین‌رو، معمار در طول حیات خود به‌خصوص در زمانی که می‌خواهد شروع به خلق و آفرینش آثار معماری کند، باید به این مقوله نیز توجه جدی داشته باشد. باید اشاره کرد که این موضوع تنها از مباحث مطرح‌شده در مبانی اسلامی نیست و برخی مکاتب دیگر نیز به آن توجه داشته‌اند. کاپن در کتاب تئوری‌های معماری اشاره می‌کند در یک مقطع زمانی در مدرسهٔ باهاوس نیز دانشجویان طراحی، در زمانی که برنامهٔ طراحی داشتند، ملزم به رعایت برخی ملاحظات اخلاقی و رژیم غذایی بودند (کاپن، ۱۳۸۳).

مرحلهٔ دوم: شکل‌گیری طرح معماری

بنابر آنچه اشاره شد، نفس ناطقهٔ انسان در شروع فرایند خلق آثار معماری به‌وسیلهٔ قوهٔ متصرفه با مراجعه به خزانهٔ معنا و صورت فراهم‌شده در نفس خود، ایدهٔ اولیه‌ای برای خلق فضای معماری در قوهٔ خیال خود می‌آفریند که این ایده نیاز به بسط و تکمیل برای رسیدن به طرح معماری (صورت مجازی آثار) خواهد داشت. در این مرحله از فرایند، معمار سعی می‌کند ایدهٔ معماری خود را با توجه به مخاطب و نیازهای او، بستر قرارگیری و شرایط زمانی و مکانی آن تکمیل کند. حال در این قسمت دو سؤال مهم مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:

سؤال اول: انسان، که خالق و مخاطب آثار معماری است، چه ظرفیت‌ها و چه نیازهایی دارد و غایتی که برای آن خلق شده چیست؟

سؤال دوم: معمار چگونه معماری، اجزا و مقوله‌های سازندهٔ آن را تعریف می‌کند؟

پاسخ به این سؤال‌ها برگرفته از مبانی نظری معمار دربارهٔ مقوله‌های انسان‌شناسی، خداشناسی و هستی‌شناسی است و این مبانی جهت‌دهندهٔ فرایند خلق و ادراک آثار معماری خواهند بود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

• تعریف انسان، ظرفیت‌ها و نیازهای او براساس دیدگاه حکمت متعالیه

یکـی از مهم‌تریـن وجوه تمایـز مکاتب فکری تعریف آن‌ها از انسـان و نیازهای او اسـت. می‌توان گفت، از منظر اسـلامی، انسـان حقیقتی اسـت که دارای مراتب گوناگون اسـت و بدن چیزی جز مرتبهٔ نازل نفس نیسـت. انسـان برحسـب فطرت و آفرینش خود جویای همهٔ مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) اسـت. نفس انسـان «دارای مراتبی چهارگانه شـامل نامی نباتی، حسـی حیوانی، ناطقهٔ قدسی و کلی الهی است و متناسب با آن دارای چهارگونه نیاز است که عبارت‌اند از: نیازهای مادی و فیزیولوژیـک، نیازهای روانی در ابعاد فردی، خانوادگـی و اجتماعی، نیازهای عقلانی و نیازهای عالی روحی (روحانی). این نیازها و نتایج پاسخ‌گویی به آن‌ها در جدول ۲ معرفی شده‌اند.

جدول ۲. مدل جامع از نیازهای انسان براساس دیدگاه اسلامی

مدل جامع از نیازهای انسان براساس دیدگاه اسلامی		
مرتبهٔ نیاز انسان	نتیجهٔ حاصل از پاسخ‌گویی به نیاز	نمونه‌هایی از نیازهای متناظر
نیازهای مادی و فیزیولوژیک	رشد و نمو	خـوراک، پوشـاک، مسـکن، امنیت فیزیکـی، غریزهٔ جنسی
نیازهای روانی	خشنودی	نیازهـای فـردی و خانوادگی: شـادی، آرامش، امنیت روانی؛ نیازهای اجتماعی: معاشـرت، مبادله، تعاون، احترام، عزت نفس، محبت
نیازهای عقلانی	حکمت و نزاهت (تشخیص و درک خوبی‌ها و بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها، خیر و شر)	حق‌جویـی ماننـد شـناخت واقعیت‌هـا و حقایـق، پی‌بـردن بـه اسـتعدادهای بالقـوهٔ انسـان، تـکـامـل فـردی، شـناخت ماهیت خویشـتـن فراگیری علم فضیلت‌خواهی مانند: عدالت، حریت زیبایی‌طلبی
نیازهای روحانی	رضایت و تسلیم در برابر خداوند	پرسـتش و میـل بـه حقیقـت و زیبایی مطلـق (ذات باری‌تعالی)

از آنجـا که قابلیت‌هایی که معمـار در خلق آثار خود ایجاد می‌کند همـواره تحت‌تأثیر تعریف او از انسـان و نیازهایش اسـت، توجه به تمامی مراتب نفس و نیازهای چهارگانهٔ انسان نقش مهمی در ارتقای کیفیت خلق آثار معماری خواهد داشـت. مدل‌ها و طبقه‌بندی‌های ارائه‌شـده از نیازهای انسـان برای فرایند خلق و ادراک آثار معماری چهارچوب مناسـبی را فراهم می‌آورند و هر قدر مدل ارائه‌شـده از انسان کامل‌تر باشد، امکان خلق فضای معماری مناسب‌تری را فراهم می‌آورد (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۲۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

بـا توجـه به تمرکز جهان امروز بر جنبـهٔ مادی و حداکثر روانی حیات انسـان و نیازهای متناظـر با آن‌هـا و تأثیری که ایـن تفکر بر معماری جهان نهاده اسـت، می‌تـوان با توجه به سـاحات حیات و نیازهای مغفول‌ماندهٔ متناظر با آن‌ها در انسـان گامی مؤثر در جهت‌دهی مناسـب به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برداشـت و جهت شـکل‌گیری این فرایند را به سمت وضعیت شایسته هدایت کرد.

• تعریف اجزا و مقوله‌های سازندهٔ معماری براساس دیدگاه حکمت متعالیه

از منظر این پژوهش براسـاس مطالعات صورت‌گرفته، یکی از روش‌های مناسـب در معرفی اجزا و مقوله‌های سـازندهٔ معماری استفاده از مقوله‌های فلسـفی است و این رویکرد سابقهٔ بسیار طولانی در حوزهٔ معماری دارد (ر.ک.: کاپن، ۱۳۸۳).

براساس دیدگاه حکمت متعالیه، مقولات نه‌گانه هستند و عبارت‌اند از: این (مکان)، زمان، کمّ، کیف، اضافه، وضع، ان یُفعل، ان یُنفعل، مُلک که مشـابه همان مقولات نه‌گانهٔ ارسـطویی هستند. اما از آنجا که در بیشـتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزهٔ تبیین مقوله‌های معماری سـعی شـده اسـت در جهت تسـهیل فهم و کاربردی‌کردن این مقوله‌ها تعدادی از آن‌ها کاسته شود، در پژوهش حاضر نیز همسو با سایرین از شش مقولهٔ اصلی در تبیین مقوله‌های معماری استفاده شده است. در جدول ۳ مقوله‌های شش‌گانهٔ معماری در تناظر با مقوله‌های فلسفی معرفی شده‌اند.

جدول ۳. معرفی مقولات شش‌گانهٔ معماری در تناظر با مقولات فلسفی

مقوله‌های فلسفی	مقوله‌های معماری
کمیت	**فرم** (صورت، شکل، الگو، ساختار هندسی وغیره)
فعالیت	**کاربرد (** عملکرد، پاسخ‌گویی به نیازها، تأثیرات، تبادل وغیره)
کیفیت	**معنا** (محتوا، مفاهیم وغیره)
ماده	**طرح و ساخت** (مصالح، ساخت، وغیره)
رابطه	**بافت و پیوستگی** (رابطهٔ ساختمان با محیط طبیعی و مصنوعی)
اراده (فاعل‌بودن)	**روحیه و اراده** (نیت، انگیزه، دیدگاه سازندگان)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

باید توجه داشــت این‌ها مقوله‌های اجزای ســازندهٔ اثر معماری هستند و براساس مبانی حکمــت متعالیــه، معانی تجلی‌یافتــه در صورت‌ها درنهایت می‌خواهند شــاکلهٔ معماری را در قالــب ایــن مقوله‌ها محقــق کنند. زیرا موجــودات در عالم ملک با این عوارض شــناخته می‌شوند؛ ازاین‌رو، معانی و مفاهیمی که این مقوله‌ها با توجه به آن‌ها شکل می‌گیرند اهمیت بســزایی دارند. با ایــن توصیفات می‌توان گفت برای خلق آثار معماری شایســته، دســتیابی بــه معانی و مفاهیم متعالی و ظهور آن‌ها در مقوله‌های ســازندهٔ معمــاری با مدنظر قراردادن نیازهای چهارگانهٔ انســان متناســب با امکانات و محدودیت‌های بســتر طرح دغدغهٔ اصلی نفس خلاق انسان خواهد بود.

• جایگاه بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب

یکــی دیگــر از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر جهت‌دهی بــه فرایند خلق و ادراک آثار معماری و کیفیت‌بخشــی به آن در مرحلهٔ تکمیل ایده، طراحی و آماده‌ســازی طــرح معماری و همچنین در اجــرای آثــار معماری، توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب اســت که بنابر شــالودهٔ نظــری این پژوهــش جامع‌ترین مکاتب، مکاتب الهی و کامل‌ترین آن هم اســلام اســت؛ بنابرایــن، همان‌طــور که در طول این پژوهش به مبانی نظری (حکمت نظری) مکتب اســلام تأکید شد و ساختار و فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر پایهٔ آن تبیین شد، در این مرحله نیز لازم است در کنــار آن‌ها به حکمت عملی اســلام توجه شــود. ایــن بایدها و نبایدها در طیفــی پنج مرحله‌ای به‌صورت مستحب، حلال، مباح، مکروه و حرام تعریف شده‌اند و طیف شمول آن شامل سه حوزهٔ احکام،[1] اخلاقیات و حقوق است.

در این مرحله تصمیم‌ســازی صرفاً نباید بر مبنای مختصات موردنظر کارفرما، معمار و

۱. احکام، به‌مثابه یکی از سه بخش دین اسلام، در تقسیمات فقهای شیعه دارای دو قسم احکام اولی و احکام ثانوی است. «حکم اولیه حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آن‌ها بار می‌شود، مثل وجوب نماز صبح و حرمت نوشیدن شراب؛ حکم ثانویه حکمی است که بر موضوعی به وصف اضطرار، اکراه و دیگر عناوین عارضی بار می‌شــود، مانند جواز افطار در ماه رمضان درمورد کســی که روزه برایش ضرر دارد یا موجب حرج اســت و ســبب نام‌گذاری چنین حکمی به حکم ثانوی آن اســت که در طول حکم واقعی اولی قرار دارد». باید اشــاره کرد تغییر حکم اولیه به حکم ثانویه متعلق به کســی اســت که در جامعه دارای ولایت اســت و این ولایت را خداوند به وی اعطا کرده اســت؛ ازاین‌رو، در جامعهٔ اسلامی وضع احکام ثانویه در درجهٔ اول متعلق به پیامبر گرامی اسلام و جانشینان به حق او یعنی ائمه (علیهم‌السلام) است و در عصر حاضر نیز، که عصر غیبت است، این حق متعلق به نواب عام امام زمان (علیه‌الســلام) یعنی فقهاست و آن‌ها می‌توانند در موارد خاص، مانند آنچه در بالا ذکر کردیم، احکام ثانویه‌ای وضع و به‌جای احکام اولیه جاری کنند (مشکینی اردبیلی، ۱۳۴۸: ص ۱۲۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

مخاطب آثار باشـد، بلکه همان‌طور که اشاره شـد، در نگرش اسلامی که نگرشی توحیدی به هستی است، دستگاهی که آثار معماری در آن خلق می‌شود دارای هدف متعالی است و بسـیار وسیع تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که از یک طرف، تمام عوالم هستی (مراتب وجود) و ازطرف دیگر، تمامی ساحت‌های وجود انسان و نیازهای چهارگانهٔ او را فرامی‌گیرد و سعی می‌کند بسـتری برای حیات طیبهٔ انسان و درنهایت، آماده‌سازی او به‌سوی هدف نهایی‌اش، که قرب الهی اسـت، فراهم آورد. چنین نگرشـی به دنبال خلق آثاری اسـت تا در آن بستری فراهم شـود تا هرچه بیشـتر انسـان‌ها را ترغیب کند کـه احکام دین را جـاری کند و حقوق انسـان درمقابل خدا، خود، خانواده، همسایه، هم‌محله و سایر انسان‌ها و جانداران، محیط زیسـت وغیره را به‌رسـمیت بشـمارد و اخلاقیات را در زندگی سـاری و جاری کند. زیرا در مبانی اندیشهٔ اسلامی عمران و آبادانی فضای زندگی انسان‌ها زمینه‌ساز ارتقای مرتبهٔ وجودی انسان‌ها و احیای آن‌هاست (ر.ک.: تقدیر، ۱۳۹۳: ص ۱۵۸).

بنابر آنچه گفته شـد، در این مرحله معمار به بسـط ایدهٔ معمـاری می‌پردازد؛ یعنی ایدهٔ خود را با مدنظر قراردادن نیازهای مخاطب، مجموع شـرایط زمانی و مکانی، احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق اسـلامی (به‌عنوان متغیرهای ثابت) در قالب مقوله‌های معماری شـکل می‌دهد که عناصر سـازندهٔ اثـر معماری‌اند (متغیـر وابسـته) و آن را به‌صورت طرح معماری (صورت مجازی اثر) آماده می‌کند.

مرحلهٔ سوم: ایجاد اثر مادی و محسوس معماری

بعد از تکمیل طرح معماری در قالب صورت مجازی اثر یا همان نقشه‌های آثار معماری، نوبت به ایجاد آثار معماری در عالم طبیعت می‌شود. در تمامی مراحل اجرای اثر معماری، معمار دو وظیفهٔ مهم بر عهده دارد؛ وظیفهٔ اول اینکه او باید مجموع شرایط زمانی و مکانی بستر اثر را کامل بشناسد و آن‌ها را مدنظر قرار دهد و وظیفهٔ دوم توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اسلام در حوزهٔ احکام اولیه و ثانویه، اخلاقیات و حقوق اسـت؛ بنابر آنچه شرح داده شد، به‌طور کلی فرایند خلق آثار معماری در سه مرحلهٔ اصلی شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از: خلق ایدهٔ معماری، شکل‌گیری طرح معماری و ایجـاد اثر مادی و محسـوس معماری در عالم طبیعت. حال در ادامه بـه توضیح فرایند و مراحل ادراک آثار معماری پرداخته می‌شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

مرحلهٔ چهارم: ادراک اثر معماری

فرایند ادراک اثر معماری زمانی شروع می‌شود که مخاطب در مواجهه با آثار معماری قرار می‌گیرد و شـروع بـه تأویل و بازخوانی معنای نهفته در باطن آثار می‌کنـد. در این مرحله بار دیگر مهم‌ترین عامل در رمزگشـاییْ مرتبهٔ نفس انسان مخاطب می‌شود؛ زیرا همان‌طور که توضیح داده شد، انسان متناسـب با مرتبهٔ نفس خویش خزانه‌ای از معنا و صورت در نفسـش پدید می‌آورد؛ بنابراین، هرچه خزانه غنی‌تر باشد، بازخوانی معانی باطنی آثار معماری برای مخاطب سهل‌تر و صحیح‌تر صورت می‌گیرد.

در اینجـا بازخوانـی یک رابطه می‌تواند در توضیح مراتب ادراک آثار معماری توسـط مخاطب راهگشـا باشـد و آن توضیـح رابطه میـان هنرمند، آثار هنری و مخاطب اسـت. یکـی از مدل‌های کاربردی در این حوزه، براسـاس مبانی اسـلامی، مدل هم‌زبانی نسـبی میان هنرمند، آثار هنری و مخاطب است. این دیدگاه با طرح موجودیت فطری، ثابت و بالقوهٔ انسان و پذیرش هویت بالفعل، متغیر و تربیت‌پذیر او، رابطهٔ هنرمند، آثار هنری و مخاطب را تبیین می‌کند و مطرح می‌کند هنرمند و مخاطب ابتدا رابطه‌ای ذاتی و فرازمانی و مکانی دارند؛ چون فطرت انسـانی مشـترک دارند و در رابطهٔ دیگر هر یک وابسـته به مجموع شـرایط زمانی و مکانی خود و تحت‌تأثیر آن هستند که متغیر و تربیت‌پذیر است.

براسـاس نتایج به‌دسـت آمده از این پژوهش می‌توان مدل هم‌زبانی نسـبی میـان هنرمند، آثار هنری و مخاطب را با مبانی حاصل از حکمت متعالیه به‌گونه‌ای دیگر نیز تبیین کرد. آنچه این مدل بر آن تأکید دارد حول محور دو اصل اسـت: اصل اول هم‌زبانی هنرمند و مخاطب به‌سـبب رابطهٔ فطـری و ذاتـی و فرازمانی و مکانی آن‌هاسـت و اصل دوم امکان وجود سـطوح مختلف و متفاوت ادراک در هنرمند و مخاطب است.

براساس دستاوردهای این پژوهش گفته شد که مرتبهٔ وجودی نفس انسان و خزانهٔ معنا و صورت شـکل‌گرفته در نفـس او مهم‌ترین عامل در شـکل‌دهی بـه فرایند خلق و ادراک آثـار هنری، اعم از معماری و سایر هنرهاست و نفس ناطقهٔ انسان مسئولیت این رمزگذاری و رمزگشایی را با تکیه بر آن انجام می‌دهد؛ بنابراین می‌توان این مدل را چنین توضیح داد که بخش هم‌زبانی معنایی از سطوحی از داده‌های خزانهٔ صورت و معنا منشـأ گرفته اسـت که حاوی دریافت‌هایی مشترک از عوالم مافوق طبیعت و یا اشتراکات موجود در عالم طبیعت بوده‌اند و بخشی که سبب تفاوت ادراک در انسان‌ها شـده است مربوط به آن دسـته از صورت‌ها و معانی دریافت‌شده از عالم طبیعت (ملک) است که گهگاه در شـرایط مختلف زمانی و مکانی ذخیره شده‌اند یا مربوط به آن دسته از معانی و صورت‌ها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

هستند که به علت تفاوت مرتبهٔ وجودی نفس انسان هنرمند و مخاطب، متفاوت از هم و متناسب با سطح تعامل آن‌ها با عوالم مافوق طبیعت در آن‌ها ذخیره شده است.

بنابراین، می‌توان گفت که از منظر مبانی اسلامی، کالبد یا متن اثر معماری نقش مهمی در تعامل میان انسان هنرمند و مخاطب بر عهده دارد و معانی ازطریق صورت‌ها منتقل می‌شوند. البته باید توجه داشت برداشت‌هایی که از یک اثر معماری صورت می‌گیرد متناسب با مرتبهٔ وجودی مخاطب و قدرت درک و فهم آن‌ها از صورت اثر، متناسب با خزانهٔ معنا و صورت در نفس آن‌هاست و ازاین‌روست که «مراتب فهمِ اشخاص متفاوت است و در برخورد با حقایق، هر کسی می‌تواند فقط به اندازهٔ فهم و میزان ادراک خود از آن‌ها بهره‌مند شود. باید توجه داشت که مراتب متفاوت یک حقیقت به وحدت آن لطمه وارد نمی‌کند و یک حقیقت می‌تواند تجلیات گوناگون داشته باشد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ص ۲۰).

بر پایهٔ آموزه‌های اسلامی، فهم‌های مخاطبانِ مختلف یک اثر [مبتنی‌بر ساحت‌های عقلانی و روحانی آن‌ها] در رابطه‌ای طولی و وحدت‌گرا قرار می‌گیرد، برخلاف رویکردهای معاصر غربی که ازنظر آن‌ها این فهم‌ها، مجموعه‌ای وحدت‌گریز و متکثر را تشکیل می‌دهند و در رابطه‌ای عرضی با هم قرار می‌دهند (رئیسی، ۱۳۹۲: ص ۸۴).

مرحلهٔ پنجم: تأثیر بر نفس مخاطب

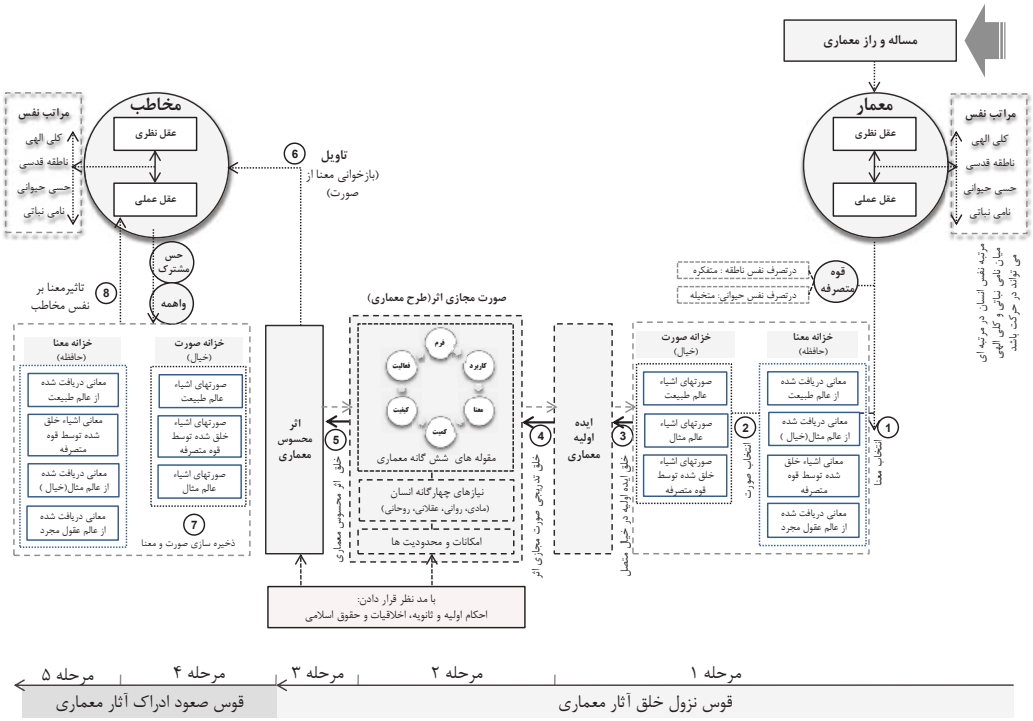
باید اشاره کرد بعد از بازخوانی معانی نهفته در آثار معماری، نفس ناطقه با معنای بازخوانی‌شده مواجه می‌شود و این معنا سبب تغییر و تحول مرتبهٔ نفس مخاطب می‌شود؛ به‌عبارتی، مخاطب با تمرکز بر روی شیء، قوای حسی و ادراکی خود را در جهتی خاص به فعلیت می‌رساند و وجود خویش را به تناسب ادراکِ برخاسته از شیء آفریدهٔ خود متحول می‌کند و نتیجهٔ این ادراک بر مرتبهٔ علم و عمل او تأثیر می‌گذارد.

باید توجه داشت که فرایند ادراک اولین‌بار در نفس معمار محقق می‌شود و خود او اولین مخاطب آثار خودش است و نفس او در مواجهه با آثار خلق‌شده توسط خود دچار تحول خواهد شد؛ زیرا فرایند خلق و ادراک آثار هنری فرایندی دوسویه از معنی به صورت و صورت به معنا خواهد بود.

بعد از شناخت مراحل و عوامل مؤثر بر کیفیت آن‌ها، نگارنده در این مرحله در راستای کمک به ارتقای کیفیت فرایند خلق و ادراک آثار معماری و بسترسازی جهت خلق آثار معماری شایسته، عوامل مؤثر بر کیفیت این فرایند را ـ که به تفصیل در این بخش معرفی شدند ـ بر ساختار مبسوط

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

ارائه‌شـده از این فرایند و مراحل آن (نمودار ۳) بازتاب داده و مدلی پیشـنهادی برای جهت‌دهی به تحقق این فرایند در قالب نمودار ۵ ارائه کرده است.



نمودار ۵. مدل پیشنهادی برای جهت‌دهی به فرایند خلق و ادراک آثار معماری برای دستیابی به آثار معماری شایسته براساس مبانی حکمت متعالیه

باید توجه داشـت که سـاختار ارائه‌شـده در نمودار ۳ در حقیقت بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری براسـاس مبانی حکمت متعالیه اسـت و هر انسـان معماری خودش غایت و کیفیت این فرایند را مشخص می‌کند، اما ساختاری که در قالب نمودار ۵ معرفی شده است فرایندی جهت‌دهی‌شده به سمت به‌کارگیری مبانی اسلامی در محتوای این فرایند است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها و نتایج این پژوهش می‌توان گفت:

ـ کیفیـت فرایند خلـق و ادارک آثار معماری تحت‌تأثیر مسـتقیم مرتبهٔ نفس معمار اسـت که برایند حاصل از تعامل علم و عمل او یا همان عقل نظری و عملی در او است.

ـ فراینـد خلـق و ادراک آثـار معمـاری مانند سـایر افعال انسـان دارای جهت اسـت که این

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

جهت‌گیری وابسته به مرتبهٔ نفس معمار در شروع شکل‌گیری این فرایند است. **اگر قوهٔ متصرفه در اختیار نفس ناطقهٔ انسان و عقل او باشد**، این فرایند جهت قرب الی‌الله خواهد داشت و اگر **قوهٔ متصرفه در اختیار نفس حیوانی و وهم باشد، این فرایند** در جهت غفلت از خدا تحقق می‌یابد.

ـ مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت اثر معماری عبارت‌اند از:

- مرتبهٔ نفس معمار و انگیزهٔ او از خلق اثر،
- سطح تعامل معمار با عوالم هستی،
- خزانهٔ صورت و معنا در نفس معمار،
- تعریف معمار از مقوله‌های سازندهٔ معماری،
- تعریف معمار از انسان، قوا و نیازهای او،
- میزان توجه به بایدها و نبایدهای مکتب اعتقادی معمار و مخاطب،
- استعدادهای ذاتی معمار،
- میزان آشنایی معمار با مهارت‌های بیان در معماری،
- میزان تجربه و آشنایی معمار با آثار برگزیدهٔ معماری.

ـ از منظر حکمت متعالیه، هستی دارای اصول و مبادی است و قوانین تحقق افعال و خلق آثار انسانی خارج از قوانین هستی نیست. بر این اساس، فرایند خلق و ادراک آثار معماری نیز مطابق با اصول و مبادی هستی است؛ ازاین‌رو، در راستای بازخوانی ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری، بهترین فرایندی که انسان می‌تواند از آن الگوگیری کند فرایند خلق عالم هستی است و بهترین روش در راستای ارتقای محتوای این فرایند مراجعه به غنی‌ترین منبع معنا یعنی اسماء و صفات الهی و تلاش برای ادراک و احصای این معانی است.

ـ براساس مطالعات صورت‌گرفته در این پژوهش، ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری از پنج مرحلهٔ اصلی تشکیل شده است.

در مرحلهٔ اول معمار در مواجهه با مسئلهٔ معماری، با به خدمت درآوردن قوهٔ متصرفه، به خزانهٔ صورت و معنا مراجعه می‌کند تا ایدهٔ خود را به‌صورت مثالی در خیال خود ترسیم کند. در مرحلهٔ دوم معمار این ایده را با مدنظر قراردادن نیازهای مخاطب متناسب با امکانات و محدودیت‌های بستر طرح و با کمک مقوله‌های سازندهٔ معماری در قالب یک طرح معماری (صورت مجازی اثر) بسط می‌دهد و در مرحلهٔ سوم این طرح را با توجه به شرایط بستر طرح، به‌صورت اثری محسوس ایجاد می‌کند. در مرحلهٔ چهارم این اثر مورد ادراک مخاطب اثر، که اولین آن خود خالق اثر است،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

قرار می‌گیرد و سـیری از ظاهر به باطن طی می‌شـود تا معانی نهفته در اثر معماری دریافت شـود و درنهایت، نفس مخاطب تحت‌تأثیر معنای دریافت‌شده از آن قرار می‌گیرد.

ـ ارکان اصلی سـازندهٔ این سـاختار عبارت‌اند از: مرتبهٔ نفس معمار و مخاطب، قوای ظاهری (بینایی، بویایی، شـنوایی، چشـایی و لامسـه) و قوای باطنـی (قوهٔ متصرفه، خیال یـا همان خزانهٔ صـورت)، حافظه یا همـان خزانهٔ معنا، حس مشـترک و واهمه) در معمـار و مخاطب، مقوله‌های سـازندهٔ معماری، نیازهای انسان، امکانات و محدودیت‌های بستر طرح متناسب با مجموع شرایط زمانی و مکانی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

کتابنامه

۱. آشتیانی، سید جلال‌الدین. ۱۳۸۰. **شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا**. قم: حوزهٔ علمیه قم.

۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۷۹. **شعاع اندیشه و شهود در فلسفهٔ سهروردی**. تهران: انتشارات حکمت.

۳. ــــــــــــــــــــ. ۱۳۸۱. «**ادراک خیالی و هنر**». فصلنامهٔ خیال. شمارهٔ ۲. تهران: فرهنگستان هنر.

۴. اخلاصی، احمد؛ علی‌آبادی، محمد؛ خواجوی، علی. ۱۳۹۰. «**تبیین فرایند آفرینش‌های هنری برمبنای حکمت و فلسفهٔ اسلامی**». همایش معماری و شهرسازی اسلامی. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز . صص ۱۱۴ـ۱۱۳.

۵. اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. ۱۳۸۰. **حس وحدت**. ترجمهٔ حمید شاهرخ. تهران: انتشارات خاک.

۶. ارشد ریاحی، علی؛ واسعی، صفیه. ۱۳۹۰. «**ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک ازنظر ملاصدرا**». مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام. سال چهل‌وسوم. شمارهٔ ۸۶ (۲). صص ۴۵-۹.

۷. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۹۰. «**پیوند معماری سنتی با حکمت**». سید حسین امامی. 4/10/1390. http://www.ettelaathekmatvamarefat.com.

۸. اکبریان، رضا. ۱۳۸۸. «**قوهٔ خیال و عالم صور خیالی**». آموزه‌های فلسفی‌ـکلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شمارهٔ ۸. صص ۳۲-۳.

۹. بلخاری قهی، حسن. ۱۳۸۴. **مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی**. دفتر دوم؛ کیمیای خیال. تهران: نشر سوره مهر.

۱۰. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. «**ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه**». پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

۱۱. ــــــــــــــــ. ۱۳۹۶. «**تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه**». فصلنامهٔ علمی‌ـپژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی. شمارهٔ ۱۴. صص ۶۷ـ۴۸.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. **منزلت عقل در هندسهٔ معرفت دینی**. تنظیم احمد واعظی. قم: نشر اسراء. چاپ چهارم.

۱۳. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۸۰. **عیون، مسائل نفس و شرح آن**. جلد ۱ و ۲. ترجمهٔ ابراهیم احمدیان و سید مصطفی بابایی. قم: نشر بکا.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

۱۴. ـــــــــــــــــــــــــ ۱۳۸۲. **معرفت نفس**. جلد ۱ و ۳. تهران: شـرکت انتشـارات علمی و فرهنگی. چاپ هشتم.
۱۵. ـــــــــــــــــــــــــ ۱۳۸۶. **صد کلمه در معرفت نفس**. قم: نشر قیام.
۱۶. خاکـی قصـر، آزاده. ۱۳۹۱. «**انکشـاف موضوع نظم در معمـاری به‌مثابه یکـی از مظاهر کیفیت**». نشریهٔ شهر و معماری بومی. شمارهٔ ۲. صص ۸۰ـ۶۳.
۱۷. خواجوی، علی؛ کبودی، مهدی؛ اخلاصی، احمد. ۱۳۸۹. «**تبیین خلاقیت هنری براساس کلیات حکمت و فلسـفهٔ اسـلامی**». فصلنامهٔ حکمت و فلسـفه. شـمارهٔ ۳. صص ۲۸۳-۲۴۳.
۱۸. خواجوی، محمد. ۱۳۸۰. **ترجمهٔ اسفار**. تهران: انتشارات مولی. چاپ اول.
۱۹. خیراللهی، مهران. ۱۳۸۹. «**ماهیت خلاقیت در فرایند طراحی معماری**». پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۲۰. رنجبـر کرمانی، علی محمد. ۱۳۸۸. «**روش سـامانه‌ای در طراحی معماری در پرتو بینش اسلامی**». پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۱. رئیس سـمیعی، محمد مهدی. ۱۳۸۲. «**تأویل و کاربرد نظریهٔ مراتب وجود در معماری**». مجموعـه مقالات همایش بزرگداشـت حکیـم صدرالمتالهین. تهران: بنیاد حکمت اسـلامی صدرا. چاپ اول.
۲۲. رئیسی، محمدمنّان. ۱۳۹۲. «**معناشناسی در آثار معماری برای ارتقای طراحی مساجد**». پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۳. صـادق‌زاده قمصری، علیرضا. ۱۳۹۰. «**مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران**». تهران: دبیرخانهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسـین. بی‌تـا. «**نرم‌افزار نورالانوار؛ التفسـیر المیـزان**». جلد ۱ و ۱۶. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۵. عظیمـی، مریـم. ۱۳۹۲. «**روش طراحـی معنا،خیـال، معمـاری بـا بهره‌گیـری از تفکـر ناخودآگاه در معماری**». پایان‌نامهٔ دکتری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۶. کاپن، دیویداسـمیت. ۱۳۸۳. **تئوری‌هـای معماری**. ترجمهٔ علی یـاران. جلد ۱ و ۲. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ اول.
۲۷. لاسـون، برایان. ۱۳۸۴. **طراحان چگونه می‌اندیشـند؛ ابهام‌زدایی از فرایند طراحی**. تهران: دانشگاه بهشتی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]

۲۸. لنـگ، جـان. ۱۳۹۰. **آفرینش نظریـهٔ معماری**. ترجمـهٔ علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشـارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی. ۱۳۴۸. **اصطلاحات الاصول**. قم: انتشارات حکمت .
۳۰. نامـور مطلـق، بهمن. ۱۳۸۴. «**تخیـل و خلاقیت هنری**». مقالات اولین هم‌اندیشـی تخیل هنری. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر. صص ۲۱۷-۱۹۳.
۳۱. ندیمی، هادی. ۱۳۷۵. **هنر و معنویت اسلامی**. ترجمهٔ رحیم قاسمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۲. ـــــــــــــ. ۱۳۸۰. «**بهـاء حقیقت مدخلی بر زیبایی‌شناسـی معماری اسـلامی**». صفه. شمارهٔ ۳۳. صص ۵۷ـ۴۷.
۳۳. نصـر، سیدحسـین. ۱۳۷۵ . **هنر و معنویت اسـلامی**. ترجمـهٔ رحیم قاسـمیان. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۴. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. **درآمدی بر هویت اسـلامی در معماری و شهرسازی**. تهران: انتشارات وزارت مسکن وشهرسازی
۳۵. ـــــــــــــ. ۱۳۹۰. **رسـالهٔ نظریه‌پـردازی در محوریت تعامل انسـان بـا ایده‌های فضایی‌ـهندسی در معماری**.
۳۶. نقره‌کار، عبدالحمید؛ تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. «بررسی قابلیت‌های فضای معماری جهت ایجاد بسـترِ پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظر اسلام (نمونهٔ موردی خانه‌های زینت‌الملکِ شیراز و بروجردی‌های کاشان)». **فصلنامهٔ علمی‌ـپژوهشی شهر ایرانی‌ـاسلامی**. شمارهٔ ۱۵. بهار.
۳۷. نقـره‌کار، عبدالحمیـد؛ مظفر، فرهنگ؛ تقدیر، سـمانه. ۱۳۹۶. «**تناظر انسـان و هسـتی در اندیشـهٔ اسلامی و بازتاب آن در معماری اسـلامی**». فصلنامهٔ علمی‌ـپژوهشی آرمان‌شهر. شمارهٔ ۱۹. تابستان. صص ۱۱۹ـ۱۰۵.

38. Casakin,H.2008 . **Factors of Design Problem-Solving and their Contribution to Creativity**. Open House International 33(1):46-60.
39. Cross,N.1984. **Developments in Design Methodology Hardcover**. Wiley-Blackwell press.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1398.5.3.5.6]